

دانش‌آموزان، مدیران فرهنگی می‌خواهند نه مسوولان نظامی!

دیدگاه انتقادی کارشناسان در مورد
فرستادن دانش‌آموزان بازداشت شده به
مراکز اصلاح و تربیت:

حمیدرضا خالدي

چند روز بعد از آنکه اخباری مبنی بر دستگیری تعدادی از دانش‌آموزان شرکت‌کننده در ناآرامی‌های اخیر در فضای مجازی منتشر شد محمدمهدی کاظمی معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش گفت: دانش‌آموزی در جریانات اخیر اخراج نشده؛ اگر هم تحت‌تاثیر قرار گرفته و حرکتی انجام داده باید به او آگاهی‌بخشی کنیم. در این راستا تاکنون دانش‌آموز اخراجی نداشته‌ایم.

در همین راستا، یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش، در پاسخ به این سوال که چه تعدادی از دانش‌آموزان بازداشت شده‌اند؟ تنها به این نکته اکتفا کرد که «تعدادشان زیاد نیست و اینقدری نیستند، نمی‌توانم آمار دقیقی از تعدادشان بدهم. دانش‌آموزی در زندان نداریم و مواردی هم اگر بازداشت باشند برای بحث اصلاح و تربیت است که در مرکز روان‌شناسی هستند و دوستان کارشناس کارشان را انجام می‌دهند تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه برگردند.»

در همین راستا يك عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی از ورود این کمیسیون به موضوع دانش‌آموزان بازداشتی در جریان ناآرامی‌های اخیر خبر داد. حبیب‌الله دهمرده در واکنش به صحبت‌های وزیر آموزش و پرورش درباره بازداشت برخی از دانش‌آموزان در جریان ناآرامی‌های اخیر گفت: «کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در صورت وجود مطلبی درباره دانشجویان و دانش‌آموزان به آن ورود خواهد کرد. باید حساب اغتشاشگران و کسانی که سوءاستفاده می‌کنند را از دانشجو و دانش‌آموز جدا کرد. ما تلاش می‌کنیم که در صورت وجود موردی بررسی‌های لازم را انجام دهیم.»

کاهش سن بلوغ اجتماعی

شهلا کاظم پور، جامعه‌شناس ابتدا در خصوص دلایل ورود دانش‌آموزان نوجوان و جوان به جرگه ناآرامی‌ها گفت: همان‌طور که تاکنون همکاران بنده نیز بارها عنوان کرده‌اند، ریشه این مساله به مشکلاتی برمی‌گردد که اندک اندک در جامعه و نزد خانواده‌ها و نوجوانان و جوانان انباشته شده است.

وی با بیان اینکه بخشی از این واکنش‌ها به رفتارهای جمعی نوجوانان و روحیه آنها برمی‌گردد، گفت: از منظر روانشناسی، اصولاً وقتی که گروهی از نوجوانان 17-18 ساله یکسری رفتارها و اقداماتی را انجام می‌دهند، از آنجایی که نوجوانان دیگر نیز از طریق فضای مجازی به راحتی و به صورت آنلاین از اخبار مطلع می‌شوند، آنها نیز تمایل پیدا می‌کنند تا در این تجمع‌ها و رفتارهای نوجوانان همسن و سال خود شرکت کنند. در صورتی که در گذشته اصلاً اینچنین نبود و بچه‌ها به راحتی از آنچه در شهر و کشور اتفاق می‌افتاد مطلع نمی‌شدند.

این جامعه‌شناس با ذکر دلیل دیگری برای ریشه‌یابی حضور دانش‌آموزان در ناآرامی‌های اخیر گفت: نکته بسیار بااهمیت‌تر این است که سن بلوغ اجتماعی جوانان بسیار پایین آمده است که دلیل آن نیز همان گستردگی نفوذ وسایل ارتباطی و فضای مجازی است.

وی افزود: در واقع به لطف گستردگی همین وسایل ارتباطی، دایره ارتباطی دانش‌آموز امروز ما آنقدر زیاد شده که درک و فهم وی از رخدادهای اجتماعی مانند یک جوان 30 ساله در چند دهه قبل‌تر است. کاظم پور با تأکید بر اینکه این یک فرآیند جهانی است گفت: برای همین معتقدم که باید ادبیات انسان‌شناختی خودمان در مورد دانش‌آموزان و نوجوانان و نگاه‌مان به این نسل را تغییر دهیم.

با این حال وی نقش معضلات اقتصادی و تورم را نیز در این میان بی‌تأثیر ندانسته و گفت: البته مسلم است که وقتی دانش‌آموز نمی‌تواند نیازهایش را از طریق خانواده و والدینش که به شدت تحت‌تأثیر فشارهای اقتصادی هستند، تأمین کند، بعد از مدتی سرخورده می‌شود و سر به عصیان می‌زند و به هر بهانه‌ای می‌خواهد که این خشم و اعتراض را بیان کند. درست مثل حضور در عرصه‌هایی مانند همین ناآرامی‌های اخیر.

دکتر حبیب آقا بخشی، آسیب‌شناس اجتماعی اما حضور دانش‌آموزان در ناآرامی‌ها را ناشی از تفکر نوجوانان امروزی دانسته و گفت: واقعیت این است که دانش‌آموزان و نوجوانان امروز ما؛ نقاد و آگاه هستند، یعنی هیچ اظهارنظری را قبول نمی‌کنند مگر آنکه آن را پذیرفته باشند. به بیان دیگر به جای تفکر نقلی، تفکر نقدي دارند.

وی افزود: برای این نوجوانان و جوانان مهم نیست که شما که هستید

و چه جایگاهی دارید. در هر صورت وی اول صحبت‌های شما را نقد می‌کند و از نقدی که می‌کند به فهم می‌رسد.

این آسیب‌شناس با ذکر اینکه دانش‌آموزان امروزی آرمان‌هایی مشروع و بحق دارند، گفت: با این وجود در عمل جامعه ما با کارکردهای سیاسی و قضایی و مشاغلی که ایجاد می‌کند قادر نیست این نیازهای مشروع آنها را برآورده کند. در واقع می‌توان گفت که فهم این بچه‌ها از مجری صدا و سیمايي که از وضعیت کنونی جامعه سخن می‌گوید بیشتر و بهتر است!

وی با بیان اینکه جای خالی «گفت‌وگو» در بین حکمرانان ما کاملاً مشهود است، گفت: در عمل حکمران‌های ما به جای «گفت‌وگو» فقط «گفت» و يك رابطه يكطرفه با مردم دارند. برای همین وقتی که حرفی را مطرح می‌کنند و مردم آن را نمی‌پذیرند، حیرت می‌کنند!

آقا بخشی در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به افرادی که حضور دانش‌آموزان در ناآرامی‌های اخیر را ناشی از «هیجانات» نوجوانی و جوانی عنوان می‌کنند نیز گفت: مسلماً این حضور فقط به خاطر قلیان «هیجانات» جوانی و نوجوانی دانش‌آموزان نیست بلکه از شعور آنها سرچشمه می‌گیرد. اما در عوض مسوولان نقد را بر نمی‌تابند و حتی حاضر نیستند به انتقادهای این نسل گوش دهند.

وی همچنین با اشاره به اینکه طبیعی است که در هر جایی که جامعه‌ای شکل می‌گیرد، یقیناً با یکسری شور جمعی مواجه باشیم، گفت: معتقدم حکمران‌های جامعه چاره‌ای ندارند جز اینکه شأن و منزلت جوانان را رعایت کنند. چرا که دانش‌آموزان امروز ما اندیشمندان فردای ما خواهند بود. از سویی بسیاری از نخبگان ما که این روزها به شدت روند مهاجرت آنها به کشورهای اروپایی و پیشرفته افزایش پیدا کرده، به این دلیل مهاجرت می‌کنند که شأن و منزلتی که در کشورشان نداشته‌اند را در آن سوی مرزها پیدا کنند.

حق محفوظ اعتراض

در صحبت‌های جنجالی اخیر وزیر آموزش و پرورش اما نکته مهم دیگری هم بود که در نوع خود با انتقادهای تندی از سوی افکار عمومی و حتی مسوولان همراه بود. دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک از فرستادن دانش‌آموزان بازداشتی برای اصلاح و تربیت به مراکز روان‌شناسی خبر داد و گفت: هدف ما این است که مانع از تبدیل دانش‌آموزان به شخصیت‌های ضداجتماعی شویم.

«فتاح احمدی» در مورد فرستادن کودکان و دانش‌آموزان بازداشتی به کانون اصلاح و تربیت نیز گفت: همان‌طور که می‌دانید در همه موقعیت‌ها از جمله خانواده، مدرسه و جامعه شاهد رفتارهایی مغایر با قانون

در روابط بین کودکان با بزرگسال هستیم که در چنین شرایطی کودکان هم مانند سایر افراد جامعه می‌توانند قربانی یا ناقص قانون باشند و ممکن است مرتکب خلافی شوند؛ در جمهوری اسلامی نیز مشابه کشورهای دیگر قانون اصلاح و تربیت، به عنوان نهادی که در تربیت، اصلاح و بازپروری شخصیت کودکان نقش مستقیم دارد، برای کودکان پیش‌بینی شده است، چراکه باید محیط نگهداری این کودکان با توجه به اینکه زیر ۱۸ سال هستند از سایر مجرمان متفاوت باشد.

احمدی با ذکر اینکه وفق قوانین داخلی و بین‌المللی کودکان نیز حق اعلام نظر و مشارکت در مجامع مسالمت‌آمیز را دارند، افزود: لیکن در مواد ۱۳ تا ۱۵ کنوانسیون حقوق کودک نیز، رعایت حقوق دیگران و حفظ امنیت، نظم عمومی، بهداشت عمومی یا اخلاق عمومی این حق را به کشورها داده تا بر حقوق مصرح در این مواد، محدودیت اعمال کند. لذا در این شرایط جامعه، خانواده، نظام حاکمیت و گروه‌های مربوط به دفاع از حقوق کودکان در همه حوزه‌ها از جمله دستگاه قضایی باید هوشیار باشند و این مسوولیت دولت است تا در این شرایط از افراد زیر ۱۸ سال حفاظت کند. برخی افراد زیر ۱۸ سال نیز در تجمعات حضور پیدا کردند که به‌منظور دور نگهداشتن آنان از محیط آسیب‌زا و محافظت از وارد شدن آسیب‌های بیشتر به این افراد، تلاش شد در قالب نگهداری بسیار کوتاه‌مدت در کانون‌های اصلاح و تربیت، ضمن پیشگیری از ارتکاب جرایم جدی‌تر توسط آنان، با مسوولیت و حقوق‌شان آشنا شوند.

دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک خاطرنشان کرد: در رابطه با این وضعیت ما یادآوری کرده‌ایم که نسبت به این کودکان اصل تفکیک بر اساس جرم ارتکابی رعایت شده باشد و این دقت را داشته باشند که در کنار کودکان دیگری که مرتکب سایر جرایم شده‌اند قرار نگیرند؛ همچنین نسبت به کودکانی که به نوعی ناقص قوانین و مقررات هستند، توجه شده و حضور در کانون منجر به بازآموزی موثر و بازگشت صحیح آنها به جامعه و محیط مدرسه شود و مهارت‌های اولیه نحوه بیان دیدگاه و نظرات و مشارکت در مجامع مسالمت‌آمیز به آنها مجدداً آموزش داده شود.

احمدی گفت: این کودکان بعد از بازداشت از بزرگسالان جدا می‌شوند. وی درباره ورود نیروهای لباس شخصی و پلیس به مدارس نیز گفت: در جمهوری اسلامی از گذشته حرمتی برای دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی وجود دارد در حال حاضر نمی‌توانم بگویم که در کجاها نقض شده و این حریم‌ها شکسته شده، اما به عنوان مرجع ملی این یادآوری‌ها را کرده‌ایم که نیروهای امنیتی و پلیس حواسشان به مراکز آموزشی باشد. البته در این اتفاقات ممکن است از نواحی دو طرف تعرضاتی صورت

بگیرد و به‌طور مثال ممکن است فرد معترضی که کودک هم نیست به يك مدرسه یا هیات یا مسجد وارد شود و فرد تعقیب‌کننده هم وارد می‌شود. همان‌طور که يك کودک حق ندارد به کسب و کار مردم خدشه وارد کند و به‌طور مثال خودرویی را آتش بزند، اما در منازعات ممکن است اتفاقاتی هم بیفتد.

گوش‌شنوایی که دانش‌آموزان می‌خواهند دیدگاه کارشناسان نیز تقریباً مطابق همین دیدگاه است. شهلا کاظم‌پور با ذکر اینکه این دیدگاه و نگاه برای اعزام دانش‌آموزان به مراکز اصلاح و تربیت منطبق با هیچ‌یک از اصول تربیتی و رفتاری نیست گفت: سال‌هاست که جمعیت‌شناس‌ها هشدار می‌دهند که جمعیت کشور در حال حرکت در مسیر سال‌خوردگی است. این درحالی است که رهبری بر توجه مسوولان به مشکلات و دغدغه‌های جوانان و بالندگی آنها تاکید کرده‌اند. ولی با فرستادن دانش‌آموزان به کانون‌های اصلاح و تربیت عملاً زمینه را برای سرکشی بیشتر آنها و حتی تبدیل آنها به مجرمان و بزهکاران آینده، فراهم می‌کنیم.

وی تصریح کرد: به عبارتی این اقدام بسیار خطرناک است و می‌تواند آینده این دانش‌آموزان را به معنای واقعی کلمه تباه کند. این جامعه‌شناس با تاکید بر اینکه مسوولان باید خیلی پیش‌تر از اینها به فکر مذاکره و گفت‌وگو با جوانان می‌افتادند، گفت: باید با این دانش‌آموزان و بچه‌های امروزی گفت‌وگو کرد. آن‌هم نه به صورت مستقیم بلکه از طریق معلم‌های آنها یا یک‌سری از افرادی که مورد اعتماد و علاقه آنها هستند. باید دغدغه‌های آنها را شنید. آن وقت قول می‌دهم که تمام این سرکشی‌های کنونی جوانان فروکش خواهد کرد و دیگر شاهد حضور آنها در ناآرامی‌هایی اینچنینی نخواهیم بود.

آقابخشی نیز با تایید این سخنان و با تاکید بر اینکه دانش‌آموزان کنونی، گوش‌شنوا می‌خواهند، گفت: همان‌طور که اشاره کردم، این دانش‌آموزان جوانانی آگاه هستند که می‌خواهند وضعیت موجود را به نفع جامعه تغییر داده و اصلاح کنند. وقتی خود من در جلسات مشاوره‌ای که دارم با این جوانان صحبت می‌کنم، می‌بینم با دقت به حرف‌های من گوش می‌دهند و خوششان می‌آید. چون به دنبال تحلیل حرف‌ها و پیدا کردن راه‌کاری مناسب برای بهبود شرایط خود و جامعه‌شان هستند. اما متأسفانه حاکمیت این مساله را درک نمی‌کند و به جای گفت‌وگو به فکر برخورد پلیسی با این دانش‌آموزان و جوانان است.

وی افزود: واقعیت این است که دانش‌آموزان و جوانان امروز خودشان را يك سروگردن بالاتر و برتر از سایر نسل‌ها و حتی مسوولان می‌دانند و نقدهایی جدی بر خط‌مشی دولتمردان دارند. این نقدها باید شنیده

شود.

این آسیب‌شناس در ادامه با انتقاد شدید از فرستادن دانش‌آموزان به مراکز اصلاح و تربیت گفت: من مدت‌ها در این مراکز کار کرده‌ام. اصلاً سبک و سیاق و شیوه اداره این مراکز و افرادی که در آنجا نگهداری می‌شوند به گونه‌ای نیست که دانش‌آموزان را از پشت نیمکت‌های مدارس به آنجا بفرستیم.

وی با بیان اینکه کار فرهنگی، مسوول فرهنگی می‌خواهد، گفت: اما به نظر می‌رسد وزیر آموزش و پرورش به هیچ عنوان متوجه عواقب برخورد با دانش‌آموزان و فرستادن آنها به کانون‌های اصلاح و تربیت نیست! آینده این دانش‌آموزان با فرستادن‌شان به مراکز اصلاح و تربیت حقیقتاً نابود می‌شود و آنها بعد از بیرون آمدن از این مراکز عملاً به دشمنی خطرناک برای جامعه بدل شده و حتی ممکن است جذب گروه‌های معاند یا خلافکار و مجرم شوند. یعنی به هر حال دیگر براساس نرم‌ها و هنجارها و ارزش‌های جامعه عمل نخواهند کرد. این همان رفتاری است که ما از آن به عنوان رفتار «ضد اجتماعی» یاد می‌کنیم. برای همین معتقدیم که یک مدیر اگر فرهنگی باشد باید به فکر فرهنگسازی و کار فرهنگی باشد نه اقدامات نظامی و امنیتی. آن هم برای دانش‌آموزانی که مدعی هستیم آینده‌سازان این کشور هستند.

سن بلوغ اجتماعی جوانان بسیار پایین آمده است که دلیل آن نیز همان گستردگی نفوذ وسایل ارتباطی و فضای مجازی است. در واقع به لطف گستردگی همین وسایل ارتباطی، دایره ارتباطی دانش‌آموز امروز ما آنقدر زیاد شده که درک و فهم وی از رخدادهای اجتماعی مانند یک جوان 30 ساله در چند دهه قبل‌تر است.

برای همین معتقدم که باید ادبیات انسان‌شناختی خودمان در مورد دانش‌آموزان و نوجوانان و نگاه‌مان به این نسل را تغییر دهیم.

مسئله این حضور فقط به خاطر قلیان «هیجانات» جوانی و نوجوانی دانش‌آموزان نیست بلکه از شعور آنها سرچشمه می‌گیرد. اما در عوض مسوولان نقد را بر نمی‌تابند و حتی حاضر نیستند به انتقادهای این نسل گوش دهند.

معتقدم حکمران‌های جامعه چاره‌ای ندارند جز اینکه شأن و منزلت جوانان را رعایت کنند. چرا که دانش‌آموزان امروز ما اندیشمندان فردای ما خواهند بود. برخوردهای این‌چنینی باعث شده بسیاری از نخبگان ما این روزها به شدت روند مهاجرت آنها به کشورهای اروپایی و پیشرفته افزایش پیدا کند.

□□□□□□ 1401 □□□ 25 □□□□□□ □□□□□□ :□□□μ